



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

سال بیستم و پنجم، شماره ۸۹

بهار ۱۴۰۴، صفحات ۱۸۷-۱۶۴

فصلنامه علمی فضای جغرافیایی

مجید گودرزی^۱

زهراسلطانی^۲

افسانه علی بخشی^۳

تحلیل نقش حس تعلق به مکان در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهر اهواز

تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۲/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی و تحلیل نقش حس تعلق به مکان در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهر اهواز انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش مطالعه، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های پژوهش به دو شیوه اسنادی و میدانی گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌های AHP و کوپراس و آزمون‌های آماری پیرسون، کروسکال والیس، تحلیل خوشه‌ای و T انجام شده است. نتایج حاصل از مدل AHP نشان داد که وابستگی‌های عاطفی، امنیت، دل‌بستگی به مکان و دسترسی نسبت به دیگر شاخص‌ها از ارجحیت بیشتری برخوردار هستند. همچنین بر مبنای نتایج مدل تصمیم‌گیری کوپراس که محله‌های بافت فرسوده را بر اساس شاخص‌های حس تعلق به مکان اولویت‌بندی کرده است، محله آخر آسفالت با مقدار ۱۰۰ درصد در رتبه اول قرار گرفته است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده آن است که خاطرات جمعی، وابستگی‌ها عاطفی، دل‌بستگی به مکان، امنیت، ماندگاری، آشنایی با مکان، دسترسی، سرزندگی، تعاملات اجتماعی و رضایتمندی دارای رابطه مستقیم و معنادار با بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهر اهواز هستند. نتایج حاصل از روش فریدمن نشان داد که شاخص وابستگی‌های عاطفی، مسائل زیست‌محیطی، رضایتمندی، دل‌بستگی به مکان و دسترسی به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش حس تعلق مکانی در محله‌های مورد مطالعه به حساب می‌آیند. بر اساس نتایج آزمون‌های کروسکال والیس و تحلیل خوشه‌ای، محله‌های آخر آسفالت و عامری در رتبه اول قرار گرفته‌اند و نتایج آزمون t نیز گویای این است که ساکنان بافت فرسوده شهر اهواز تمایل به بازآفرینی بافت فرسوده خود دارند و در نهایت با ضریب همبستگی پیرسون با مقدار ضریب ۰/۲۶۳ نشان‌دهنده آن است که بین دو متغیر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و با افزایش حس تعلق به مکان، تمایل ساکنان به بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری افزایش می‌یابد؛ بنابراین با توجه به اینکه ساکنان دل‌بستگی خاصی به مکان محل زندگی خود دارند و همچنین وابستگی عاطفی در بین آن‌ها زیاد است، می‌توان با افزایش امکانات و

^۱گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

^۲گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

^۳دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

خدمات شهری و همچنین تقویت فضاهای عمومی و بافت‌های کالبدی و فیزیکی، بافت‌های فرسوده را از طریق بازآفرینی شهری، تقویت کرد.

واژگان کلیدی: حس تعلق مکانی، بافت فرسوده، بازآفرینی شهری، اهواز

مقدمه

برای اولین بار در تاریخ، جمعیت جهان در سال ۲۰۰۸ به نقطه‌ای رسید که بیش از نیمی از آن (حدود ۳/۳ میلیارد نفر) در نقاط شهری زندگی می‌کردند و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ این رقم به حدود ۵ میلیارد نفر خواهد رسید (Ghorbanian tabrizi et al., 2023: 2). افزایش جمعیت شهری در جهان و به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه علی‌رغم اعتقاد بسیاری از محققان مبنی بر اینکه این افزایش جمعیت با رشد و توسعه اقتصادی همراه بوده است. مسائل و مشکلات عدیده‌ای ازجمله تمرکز بیش‌ازحد و فعالیت در کلان‌شهرها، توسعه ناموزون، افزایش تفاوت‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای را در برداشت (Ziari et al., 2017: 3). تغییرات سریع شهرها اغلب با بی‌توجهی به نقش و ساختارهای محیطی و فرهنگی آن‌ها انجام گرفته است که علاوه بر تخریب‌های فیزیکی، خاطرات یکپارچه و پیوستگی منظر را نیز در معرض نابودی قرار داده است (Belali Oskui et al., 2019: 21)؛ بنابراین، رشد فزاینده‌ی ابعاد شهرنشینی طی دهه‌های اخیر موجب شده است که علاوه بر گسترش مشکلات اکولوژی محیطی و اجتماعی، شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون کمرنگ شدن هویت و حس تعلق به مکان نیز مواجه شود (Daneshpour & Saffar sabzevar, 2018: 127). تعلق مکانی به این معناست که مردم خود را به‌واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند (Sarmast & Motavaseli, 2010: 5). به‌عبارت دیگر، تعلق مکان به‌عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه‌های مکانی برقرار می‌کنند تعریف می‌شود، جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و جایی که آن‌ها احساس راحتی و امنیت دارند. تعلق مکان پیوندی است بین یک فرد یا گروه و مکان که بر اساس سطح فضایی، درجه اختصاصی بودن و ویژگی‌های اجتماعی یا کالبدی مکان، متغیر است و از طریق احساس، شناخت و فرایندهای روانشناسان رفتاری، آشکار می‌گردد (Siyavashpour et al., 2013: 56). حس مکان به توانایی مکان در برانگیختن احساسات انسانی به‌واسطه کیفیاتی بستگی دارد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند (Chen and Sekar, 2018: 186). تعلق به مکان بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ انسان و فرهنگ است. بااین‌حال رفتارشناسان صرفاً از میانه سده ۱۹۰۰ به مطالعه نظام‌مند روابط فرد-مکان پرداخته‌اند (Scannell and Gifford, 2010: 7). در دهه ۱۹۷۰ میلادی پیوند فرد - مکان موردتوجه طراحان و برنامه ریزان شهری قرار گرفت (Peters et al., 2017: 226). از دیدگاه پدیدارشناسی، مفهوم حس مکان به معنای حقیقت و ماهیت مکان می‌باشد که نشانی بر اهمیت معانی و پیام‌های موجود در مکان است. از این دیدگاه، یکی شدن انسان و محیط یا این‌همانی، موجب ظهور مکان می‌شود (Shahcheraghi & Bandarabad, 2014: 19). داشتن حس تعلق ساکنان محله‌ها نسبت به محیط زیست خود، یکی از مسائل پایداری شهر است. این حس که یک عامل مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط می‌باشد، موجب تعلق به مکان بر پایه حس و ایجاد محیط‌هایی باکیفیت می‌گردد (Masoud Kabir, 2018: 16). البته، امروزه بسیاری از انسان‌ها به دلیل کمبود وابستگی به مکان زندگی‌شان، دائماً در حال جابجایی و تغییر مکان از جایی به جای دیگر هستند. یکی از دلایل عمده این امر، عدم احساس تعلق ساکنان نسبت‌ها به محیط اطراف خود می‌باشد (Golkar, 2017: 125)؛ بنابراین، هرچه مکان‌ها دارای

قدمت بیشتری باشند، با توجه به افزایش مدت سکونت، مجموع خاطرات افراد از این فضاها نیز افزایش می‌یابد؛ لذا بافت‌های قدیمی شهرها که تحت عنوان بافت‌های فرسوده شناخته می‌شوند، از این نظر دارای غنای زیادی هستند (Lindsay and McCann, 2014: 23).

محلات قدیمی شهرها به عنوان بخشی از گذشته شهر و ساکنان آن است که (بسیاری از آن‌ها) طی زمان و تحت تأثیر جریانات طبیعی، اجتماعی و اقتصادی به تدریج دچار تغییر و فرسودگی گردیده و ضرورت بهسازی و نوسازی آن‌ها در طول زمان احساس گردیده است (Moradgholi, 2012: 15). از این رو نوسازی بافت‌های شهری، فرآیندی است که در برابر تغییرات عملکردها و نیازهای اجتماع، توسط ساکنان آن انجام می‌پذیرد. درواقع، این فرآیند به صورت خودبه خود و تدریجی در سطح شهر صورت می‌پذیرد؛ اما هنگامی که کارایی یک محله شهری کاهش یافته و یا دچار فرسودگی می‌شود، ساکنان دیگر تمایلی به نوسازی محل سکونت خود و تداوم اسکان در آن را نخواهند داشت و به تدریج آن محدوده شهری از چرخه توسعه خارج خواهد شد. ساکنین جدید نه تنها به بهبود وضعیت مکان زیستی خود کمکی نمی‌کنند، بلکه به دلیل نبود حس تعلق به مکان، باعث بدتر شدن وضعیت آن نیز می‌شوند (Rezvani et al., 2017: 24). عدم همراهی بسیاری از بافت‌های قدیمی با الزامات زندگی جدید، موجب کاهش کیفیت زندگی و نیز کاهش دل‌بستگی به مکان ساکنین این محلات شده است. لذا، توجه به این مناطق مسکونی، چه از بعد کالبدی و چه از بعد روانی، برای افزایش رضایت‌مندی ساکنین، امری ضروری به نظر می‌رسد. زندگی در این بافت‌ها به همان میزان که نیازمند هم احساس بودن با رخدادها، خاطره‌ها و ریشه‌هاست، نیازمند اعتقاد به بروز تغییرات نو در آن‌ها است (Shayan & Kamelnia, 2010: 18)؛ بنابراین، می‌توان گفت امروزه بحران هویت در بسیاری از محلات و بافت‌های قدیمی امر انکارناپذیر و نیازمند به توجهی بیش‌ازپیش است. شهر اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان، یکی از شهرهای مهم این استان بوده و در دهه‌های اخیر شاهد موج‌های عظیم مهاجرت به آن از روستاها و شهرستان‌های دیگر استان بوده است. بروز جنگ تحمیلی نیز مهاجرین بسیاری را از مناطق شهری و روستایی جنگ‌زده، روانه شهر اهواز کرد (Safaeepour & Damanbagh, 2019: 105). این مسائل باعث گردید که در حال حاضر حدود ۱۴۱۷ هکتار از شهر اهواز را بافت فرسوده تشکیل دهد که به لحاظ جمعیتی حدود یک‌سوم جمعیت این شهر در این نوع بافت ساکن هستند. این نوع بافت‌ها که کیفیت زندگی شهروندان را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند با مشکلاتی هم چون افول کیفیت کالبدی، مشکلات دسترسی و ترافیکی، تراکم و تمرکز بیش‌ازحد، کمبود سرانه کاربری‌ها، فقدان سلسه مراتب مناسب در شبکه ارتباطی، وجود کاربری‌های ناسازگار، ضعف ابنیه، استفاده از مصالح کم‌دوام و بی‌دوام، کمبود امکانات و خدمات شهری، فرسودگی فاضلاب شهری، کیفیت پایین واحدهای مسکونی، ضعف مدیریت شهری، ضعف منابع مالی جهت بهسازی و نوسازی مساکن و... روبه‌رو هستند و نشان می‌دهد اغلب مردم شهر اهواز از شرایط مطلوبی برای زندگی شهری بهره‌مند نیستند. برای احیای این نوع بافت‌ها، جلب توجه ساکنین از طریق مشارکت و همچنین در نظر گرفتن تسهیلات بانکی و مدیریت شهری توانمند را می‌طلبد. با توجه به موارد مذکور، این پژوهش به دنبال تحلیل نقش حس تعلق به مکان در بافت‌های فرسوده جهت بازآفرینی در کلان‌شهر اهواز می‌باشد تا مشخص شود که حس تعلق مکانی ساکنین تا چه حد می‌تواند زمینه‌ساز بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری را فراهم کند. با توجه به موارد مذکور پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- آیا از لحاظ شاخص‌های حس تعلق به مکان بین محله‌های بافت فرسوده در شهر اهواز تفاوت وجود دارد؟
- آیا بین حس تعلق به مکان و بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری رابطه‌ای وجود دارد؟

مبانی نظری

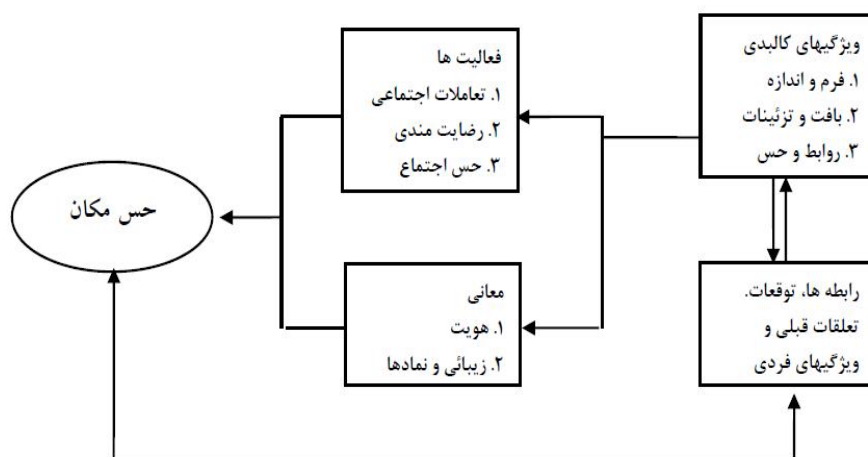
بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، برخوردار نامناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیرند و ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی دارند (Mohammad-Moradi et al., 2022: 106). همچنین به بافتی از شهر اطلاق می‌شود که ارزش‌های شهروندی آن کاهش یافته است و ساکنان آن از شرایط زندگی در محل خود رضایت خاطر ندارند و نیازهای اساسی آن‌ها برآورده نمی‌شود. بر اساس مصوبه عالی معماری و شهرسازی، بافت شهری و به تبع آن بافت آسیب‌پذیر، بافتی است که حداقل یکی از شرایط سه‌گانه زیر را داشته باشد:

الف- ناپایداری: بافتی که دارای حداقل ۵۰ درصد بناهای فرسوده، نامناسب به لحاظ زیستی و سکونتی یا آسیب‌پذیر باشد. به عبارت دیگر، بافتی است که حداقل ۵۰ درصد بناهای آن غیر مقاوم بوده که دلیل آن فقدان سیستم سازه‌های مناسب و عدم رعایت موازین فنی است؛

ب- ریزدانی: بافتی که حداقل ۵۰ درصد املاک آن مساحتی کمتر از ۲۰۰ مترمربع را داشته باشند. ج- نفوذناپذیری: بافتی که حداقل ۵۰ درصد عرض معابر آن (قبل از اصلاح) بن بست و یا با عرضی کمتر از ۶ متر باشد یا ضریب نفوذپذیری آن کمتر از ۳۰ درصد باشد (Naderi et al., 2013: 163).

حس تعلق به مکان

تعلق مکان به عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه‌های مکانی برقرار می‌کنند تعریف می‌شود، جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و جایی که آن‌ها احساس راحتی و امنیت دارند احساس تعلق مفهومی است که در مرحله توصیف، به ابعاد و عوامل تشکیل دهنده آن قابل تجزیه است، اما در مرحله ادراک درکی کلی از محبت و عاطفه نسبت به مکان است که شاید حتی برای شخص قابل وصف و بیان نباشد (Siyavashpour et al., 2013: 2). تقلیل دادن مکان به یکجا و انسان به یک موجود اقتصادی منطقی مؤنث یا مذکر باعث می‌شود که بسیاری از ابعاد پراهمیت ارتباط میان انسان‌ها و مکان‌ها نادیده گرفته شد (Liu, 2015: 72).



شکل ۱: حس مکان و عوامل تأثیرگذار در آن. منبع: Meshkini et al., 2015

Figure 1: Sense of place and factors influencing it

پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع تحقیق پژوهش‌هایی صورت گرفته است. (Raymond et al (2010، در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری تعلق به مکان: ارتباط‌های شخصی، عمومی و محیطی، با استفاده از یک مدل چهاربعدی» به توسعه یک رویکرد منسجم برای سنجش و اندازه‌گیری تعلق به مکان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که میان اجزای متفاوت دانش مکان، تمایز وجود دارد. (Ramkisoon (2015، در تحقیقی با عنوان «دلبستگی به بافت‌های تاریخی» به این نتیجه رسید که واژه اصالت در بررسی بافت‌های تاریخی اهمیت و ارزش بالایی دارد. اصالت مکان به ویژگی‌های منحصر به فرد مکان اشاره دارد که خاص هر مکان بوده و قابل تقلید و شبیه‌سازی نیست. (Liu et al (2016، در مقاله‌ای به بررسی «حس تعلق به مکان و نقش آن در مشارکت ساکنان در گردشگری» به این نتیجه رسیدند که احساس تعلق به مکان نقش مهمی در ترغیب ساکنان به تحریک فرزندان آن‌ها برای بازگشت و مشارکت در یک پروژه مرتبط با گردشگری دارد. حس تعلق به مکان نیز بر تصمیمات برخی افراد در مورد نوع شغلی که در آن مشارکت داشته و نحوه عملکرد مشاغل تأثیرگذار است. (Huang et al (2019، در مقاله‌ای با عنوان «متعلق به یک مکان: تحلیلی از ادراک مهاجران روستایی به شهری در چین» به این نتیجه رسیده‌اند که احساس تعلق فرد بیشتر توسط تعامل مستقیم شخص با یک مکان تقویت می‌شود، اما می‌تواند از طریق تماس‌های اجتماعی به‌طور غیرمستقیم نیز انجام شود. علاوه بر این، زمینه مکان بر توانایی فرد برای آن تأثیر می‌گذارد. همچنین، در دسترس بودن خدمات عمومی باعث ایجاد احساسات مثبت در مورد مکان جدید می‌شود، درحالی‌که حجم زیاد جمعیت تأثیر متضاد دارد. (Yi & Zhai (2022، در تحقیقی رویدادها را یکی از عوامل اصلی تقویت توسعه شهری دانسته‌اند و به این نتیجه رسیدند که شناسایی رویدادها و استفاده بالقوه از رویدادها در شهر ضمن نشان دادن تفاوت‌های حاکمیتی در توسعه شهری، مکانیسمی برای توسعه شهری خواهد بود.

(Meshkini et al (2015، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)» به همبستگی بین چهار متغیر؛ مدت زمان سکونت، میزان رضایت ساکنان از خدمات شهری، میزان احساس امنیت در محل و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی با تعلق مکانی ساکنان شهر جدید هشتگرد پرداخته‌اند که نتایج آزمون حاکی از رابطه معنی‌دار بین متغیرها با حس تعلق مکانی بوده است و جهت این رابطه نیز به‌صورت مستقیم و مثبت است. (Ziari et al (2017، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی و حس تعلق مکانی» بیان کرده‌اند عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله (احساس تعلق محله‌ای، احساس امنیت محله‌ای) با آمادگی برای مشارکت رابطه معنادار وجود دارد و حس تعلق به محله موجب مسئولیت‌پذیری افراد و در نهایت آمادگی برای فعالیت‌های مشارکتی می‌شود. (Masoud Kabir (2018، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی «وضعیت حس تعلق مکانی در محله‌ی ایران آباد شهر اردبیل» به این نتیجه رسیده است که ویژگی‌های فردی همچون تأهل، سن، درآمد، مدت اقامت و نوع مالکیت در میزان ارزیابی افراد از حس تعلق مکانی تأثیرگذار است در مقابل ویژگی‌های جنسیت، شغل و سواد تأثیری در ارزیابی افراد از حس تعلق مکانی نداشته است. بی‌حسی تعلق مکانی با متغیرهای احساس امنیت، رضایت از خدمات شهری، کیفیت مسکن، مسائل زیست‌محیطی و فعالیت‌های اجتماعی و جمعی رابطه معناداری وجود دارد. (Zanganeh (2019، در

مقاله‌ای با عنوان «سنجش احساس تعلق مکانی در شهرهای کوچک، میانی و کلان‌شهرها» مقایسه تطبیقی از وضعیت احساس تعلق مکانی در سه شهر، کوچک، میانی و کلان‌شهری و عوامل مؤثر بر احساس تعلق مکانی آن‌ها پرداخته‌اند که نتایج حاصل حاکی از آن است که متغیر کیفیت خدمات، بیشترین تأثیر و بعد از این متغیرهای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به ترتیب تأثیرات فزاینده‌ای را بر احساس تعلق مکانی در سه شهر مورد مطالعه خواهند داشت. (Mahmoudi et al (2021)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مکانی - فضایی مؤثر بر حس تعلق مکانی در میان کردهای استان گیلان»، از سه بعد اصلی شامل بعد مکانی، بعد اقتصادی و بعد اجتماعی - سیاسی همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تعلق مکانی نکته‌ای مثبت و پتانسیلی مهم است که می‌تواند در برنامه‌های توسعه روستایی مشارکتی مفید واقع شود. (Taherlou & Jalilnejad (2021)، در بررسی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و نقش شهرداری در احیای آنها نتیجه گرفتند که بافت فرسوده شهر تاریخی خوی با مشکلات فیزیکی و اجتماعی روبرو است که عملکرد شهرداری و نهادهای دیگر در این زمینه تأثیرگذار است. (Amanpour & Hashemi Ghand Ali (2023)، در پژوهشی با عنوان «بررسی و ارزیابی تاب‌آوری مولفه‌های کالبدی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی) بافت فرسوده شهر مسجدسلیمان» به این نتیجه رسیدند که اغلب متغیرهای مؤثر بر تاب‌آوری کالبدی مانند: اسکلت ساختمان، جنس مصالح، تعداد طبقات، قدمت ساختمان، کیفیت ابنیه، تعداد واحد و عرض معابر در بافت فرسوده شهر مسجدسلیمان غیر تاب‌آور و یا با تاب‌آوری کم هستند و بر اساس شاخص‌های ۷ گانه مورد مطالعه، محدوده مورد مطالعه در شهر مسجدسلیمان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در واقع می‌توان گفت که بیش از نیمی از بافت فرسوده در شهر مسجدسلیمان (۸۰/۲ درصد)، دارای تاب‌آوری نامطلوبی است. ترتیب تأثیر مؤلفه‌های تاب‌آوری کالبدی در بافت فرسوده شهر مسجدسلیمان، بر اساس اوزان آن‌ها، به ترتیب از کم به زیاد عبارت است از: تعداد واحد، تعداد طبقات، عرض معابر، قدمت ساختمان، کیفیت ابنیه، اسکلت ساختمان و جنس مصالح. (Shahivandi et al (2023)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل ابعاد هویتی شهرک‌های جدید و اثرگذاری آن بر احساس تعلق شهروندان (مطالعه موردی: سپاهان-شهر اصفهان) به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های اجتماعی و عملکردی به ترتیب با بار عاملی ۰/۶۸۳ و ۰/۴۳۰ به صورت مستقیم بر احساس تعلق ساکنان سپاهان‌شهر و شاخص طبیعی - محیطی با بار عاملی ۰/۳۸۶ بر شاخص عملکردی و شاخص‌های کالبدی - فضایی و تاریخی - فرهنگی به ترتیب با بار عاملی ۰/۲۵۶ و ۰/۲۳۲ بر متغیر اجتماعی و از آن طریق بر احساس تعلق شهروندان اثرگذار هستند. (Yasouri et al (2024)، در پژوهشی به عنوان «بررسی نقش معناپذیری و حس تعلق مکانی در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان (مورد: روستاهای گردشگرپذیر، شهرستان رودبار)» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای کالبدی تعلق مکانی، بعد اعتماد سرمایه اجتماعی، بعد محیطی تعلق مکانی، بعد عملکردی تعلق مکانی، بعد همبستگی اجتماعی و بعد مشارکت سرمایه اجتماعی به ترتیب مهمترین عواملی هستند که به صورت مستقیم بر نمایه تعلق مکانی روستاییان مؤثر هستند.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش مطالعه، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. جهت پاسخ‌دهی به سؤالات تحقیق، شاخص‌ها از طریق مطالعه اسناد، کتاب‌ها، مقالات، مجلات و پایان‌نامه‌ها جمع‌آوری گردید و پس از سنجش روایی شاخص‌ها توسط

متخصصان، پرسشنامه تحقیق طراحی و در اختیار جامعه آماری قرار گرفت. پرسشنامه تحقیق حاضر شامل حس تعلق مکانی، امکانات و خدمات بافت‌های فرسوده و تمایل به بازآفرینی بافت‌های فرسوده بوده است. شاخص‌های پژوهش در جدول (۱) ذکر شده است.

جدول ۱- شاخص‌های ارزیابی و تحقیقات شاخص
Table 1- Evaluation indices and index research

منابع	گویه	شاخص	بعد	مفهوم
(Zanganeh, 2013 (Safaeepour & Damanbagh, 2019) (Yi & Zhai, 2022) (Huang et al., 2018) (Chen and Sekar, 2018)	میزان بروز مراسمات خاص در محله مانند عاشورا در طول سال	خاطرات جمعیت	تعلق به مکان حس	مکان
	میزان بروز رویدادها و آیین های جمعیتی سستی در محله			
	میزان خاطرات جمعیتی ساکنان محله از فضاهای مذهبی، تاریخی و ...			
	کیفیت معماری بناها در محله			
	میزان وجود عناصر و المان های خاطره انگیزه در محله			
	میزان توجه به بازسازی عناصر خاطره انگیز گذشته در محله			
	میزان حفظ بناها و آثار تاریخی محله با نام و اسامی آنها	وابستگی های عاطفی		
	وجود بستگان و اقوام در محله			
	میزان صمیمیت و همبستگی با اهالی محله			
	احساس خوب ساکنین نسبت به مهاجران و افراد غیربومی			
	میزان دید و بازدیدها از اقوام و همسایگان در محله			
	میزان علاقه به محله	دلبستگی به مکان		
	میزان تمایل به گذراندن اوقات فراغت در محله			
	میزان آرامش در محله			
	احساس دلتنگی به محله هنگام دور شدن			
	میزان افتخار به محله در شرایط مختلف	هویت		
	میزان وجود عناصر شاخص و هویتمند در محله			
	وجود نمادها و نشانه های آشنا در محله			
	میزان سهولت در آدرس دهی فضاها در محله	خوانایی و نمایانی		
	میزان قابل شناسایی بودن فضاها در محله			

میزان امنیت برای کودکان و بانوان در ساعات مختلف شبانه روز	امنیت	
میزان امنیت برای افراد پیاده		
مدت زمان سکونت در محله		
میزان اصالت ساکنین	ماندگاری	
میزان تمایل به جابگزینی محل سکونت فعلی با محله های دیگر		
میزان اطلاع از پیشینه تاریخی و گذشته محله	آشنایی با مکان	
میزان اطلاع از رویدادهای اساسی و مهم در محله		
میزان شناخت ساکنان محله		
وجود ابنیه تاریخی در محله	تمایز	
میزان فرسودگی بافت	شخصیتی	
وضعیت کوچه ها و گذرهای قدیمی در محله		
هماهنگی نماهای ساختمان در محله		
مطلوبیت طراحی معابر، ساختمان ها، فضاهای عمومی در محله	محسوریت	
میزان رعایت مسائل اقلیمی در طراحی ساختمان ها در محله	بومی گرایی	زیست و کالبدی
میزان استفاده از مصالح بومی در محله		
وجود مسیرهای کافی در محله برای رسیدن به فضاهای عمومی		
دسترسی مطلوب به مسیرهای عابر پیاده در محله	دسترسی	
وضعیت کارایی حمل و نقل عمومی محله		
قابلیت دسترسی سریع به معابر		
میزان تنوع رویدادها در محله		
میزان تنوع کاربری های شهری در محله	تنوع	
میزان توجه به حفظ کاربری های سنتی در محله		
میزان وجود فضای سبز و پارک جهت اوقات فراغت ساکنان محله		
قابلیت حضور تمامی گروه های اجتماعی محله در فضاهای عمومی	سرزندگی	فرهنگی و اجتماعی
میزان وجود فضاهایی برای نشستن در محله		
میزان اجرای هنرهای خیابانی		
وضعیت آلودگی صوتی در محله		
وضعیت آلودگی هوا در محله	زیست	
وضعیت تمیزی و زیبایی محله	محیطی	
وضعیت آب آشامیدنی محله		

تعاملات اجتماعی	میزان ارتباط با همسایگان در محله
	میزان خودمانی بودن با افراد محله
	عضویت و پیوستگی با اجتماع محله
	میزان توجه به پیاده‌مداری جهت افزایش برخورد‌های چهره به چهره
رضایتمندی	میزان بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات
	توانایی پاسخگویی محله به نیازهای ساکنان

حس تعلق مکانی دربرگیرنده ۱۷ شاخص و ۵۶ گویه، امکانات و خدمات، ۱۱ شاخص و ۳۵ گویه و تمایل به بازآفرینی شامل ۱۳ گویه است. با توجه به اهداف پژوهش، از دو جامعه آماری، ساکنان و کارشناسان برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. محدوده موردبررسی شامل، ۷ محله بافت فرسوده شهر اهواز است که با توجه به جامعه آماری تحقیق (۸۸/۲۹۵ نفر)، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه (حجم نمونه کسب شده از طریق فرمول کوکران) بین ساکنان محله‌های بافت فرسوده شهری اهواز توزیع شد. جامعه آماری کارشناسان نیز ۱۲ نفر را شامل شده است. حجم نمونه به تفکیک محلات در جدول (۲) ذکر شده است.

جدول ۲- حجم نمونه به تفکیک هر محله

Table 2- Sample size by each neighborhood

محله	جمعیت	نسبت جمعیت	نسبت نمونه
آخر آسفالت	۲۲۴۳۶	۰/۲۵۴	۹۷
یوسفی	۱۲۳۵۴	۰/۱۳۹	۵۴
زرگان	۳۴۵۷	۰/۰۳۹	۱۵
لشکرآباد	۹۳۱۶	۰/۱۰۵	۴۰
ملاشیه	۴۶۸۷	۰/۰۵۳	۲۰
حصیرآباد	۲۹۱۳۵	۰/۳۲۹	۱۲۶
عامری	۶۹۱۰	۰/۰۷۸	۳۰
کل	۸۸۲۹۵	-	۳۸۳

روش مورد استفاده در این تحقیق جهت دستیابی به نمونه پژوهشی، نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم می‌باشد که برای طبقات مختلف بر اساس میزان حجم آن‌ها، نمونه انتخاب می‌کنیم؛ به این صورت که طبقه‌ای که بیشترین حجم را دارد از بیشترین تعداد نمونه برخوردار خواهد شد. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات حاصل از پرسشنامه و آمارنامه‌ها، به چند شیوه صورت خواهد گرفت. جهت تحلیل و تفاوت فضایی حس تعلق مکانی در محله‌های شهری، جهت وزن دهی به شاخص‌های حس تعلق به مکان از مدل تصمیم‌گیری AHP و برای سنجش عوامل مؤثر بر حس تعلق مکانی در بافت‌های فرسوده شهری از مدل تصمیم‌گیری کوپراس و جهت تهیه نقشه برخورداری از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده می‌شود و جهت عوامل مؤثر در افزایش حس تعلق به مکان از آزمون‌های پیرسون و فریدمن، جهت سنجش تفاوت بین محله‌های بافت فرسوده شهری از آزمون کروسکال

والیس و تکنیک تحلیل خوشه‌ای و جهت سنجش رابطه بین حس تعلق به مکان و بازآفرینی شهری از آزمون T و پیرسون، بهره گرفته شد.

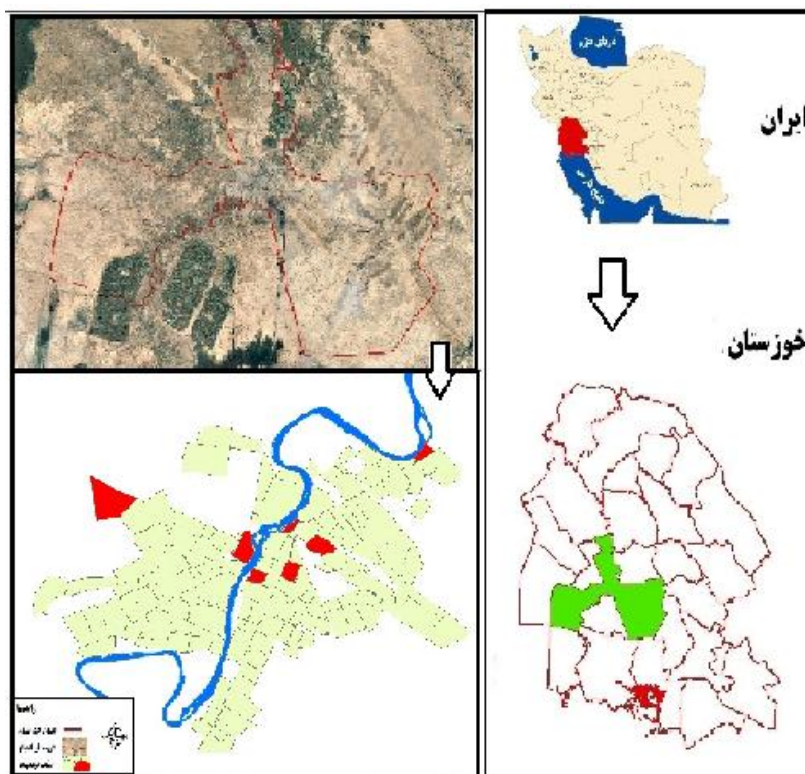
مدل تصمیم‌گیری چند معیاره کوپراس^۱: این مدل یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است که با هدف وزن-دهی به معیارها یا رتبه‌بندی گزینه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مدل می‌تواند رتبه‌بندی کاملی از گزینه‌ها را ارائه دهد. این مدل نیز قادر است هم از معیارهای کمی و هم از معیارهای کیفی برای محاسبه شاخص‌ها استفاده کند. همچنین این مدل قابلیت محاسبه معیارهای مثبت و معیارهای منفی را به‌طور جداگانه در فرآیند ارزیابی دارد (Lindsay and Gifford, 2018: 121).

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر اهواز هفتمین کلانشهر ایران و مرکز استان خوزستان می‌باشد که طی سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت آن برابر ۱۳۰۲۳۰۲ نفر و همچنین با مساحتی حدود ۱۹۴۹۴ هکتار یکی از پنج شهر وسیع ایران می‌باشد و هم‌اکنون بیش از ۴۰ درصد (۱۱۰۲ هکتار از کلان‌شهر اهواز را شامل می‌شود) از وسعت بافت سکونتگاهی شهر را بافت‌های خودرو و ناکارآمد و فرسوده شکل داده است (Safaiepour & Hajipour, 2022: 44). این شهر بر اساس آخرین مستندات (سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) دارای ۸ منطقه، ۱۳۲ محله می‌باشد. از جمله عوارض طبیعی موجود در شهر می‌توان به امتداد شمال شرقی - جنوب غربی رودخانه کارون اشاره کرد. جهات توسعه شهر متأثر از این عوامل و از جنوب غربی به شمال شرقی بوده و اساس شکل‌گیری محلات اولیه مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌باشد. در شکل (۲)، موقعیت شهر اهواز و همچنین محدوده بافت فرسوده مشخص شده است.

شکل ۲: موقعیت منطقه مورد مطالعه و محدوده بافت فرسوده شهر اهواز

Figure 2: The location of the studied area and the extent of worn out tissue in Ahvaz city



¹. Copras

یافته‌های پژوهش

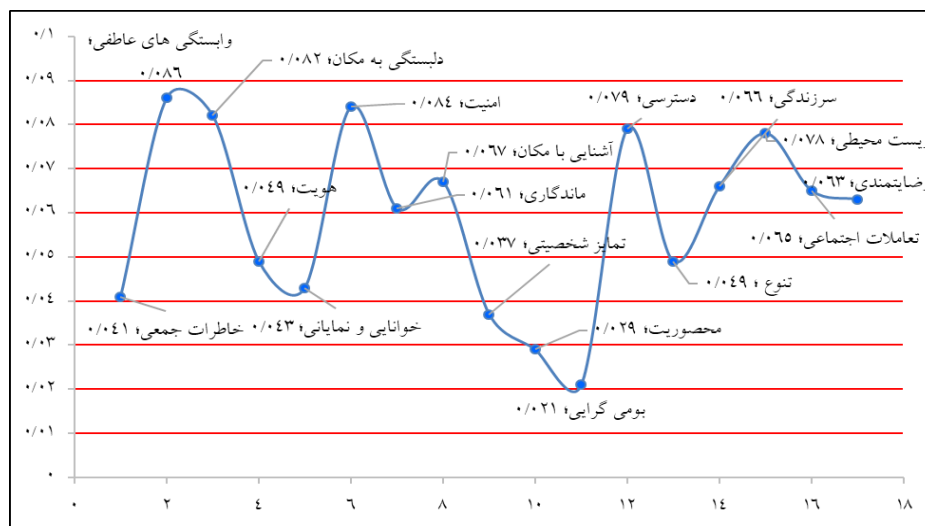
برای سنجش وضعیت شاخص‌های حس تعلق به مکان در محله‌های بافت فرسوده شهر اهواز از آزمون t استفاده شد. بر اساس نتایج حاصل شده وابستگی‌های عاطفی و دلبستگی به مکان از دید ساکنان میانگین بالاتری از میانگین فرضی ۳، داشته‌اند.

جدول ۳- بررسی وضعیت شاخص‌های حس تعلق به مکان در بافت‌های فرسوده شهری

Table 3- Investigating the status of indicators of sense of belonging to a place in worn-out urban contexts

شاخص	میانگین	فراوانی	مقدار t	سطح معناداری
خاطرات جمعی	۲/۳۶	۳۸۳	-۶/۷۱۱	۰/۰۰۱
وابستگی‌های عاطفی	۴/۰۴	۳۸۳	۳۱/۴۲۵	۰/۰۰۱
دلبستگی به مکان	۳/۳۱	۳۸۳	۵/۴۶۴	۰/۰۰۱
هویت	۲/۹۸	۳۸۳	-۰/۲۷۳	۰/۰۰۱
خوانایی و نمایانی	۲/۸۴	۳۸۳	-۳/۱۷۶	۰/۰۰۱
امنیت	۲/۴۳	۳۸۳	-۱۶/۶۲۴	۰/۰۰۱
ماندگاری	۲/۶۷	۳۸۳	-۰/۷۶۲	۰/۰۰۱
آشنایی با مکان	۲/۴۹	۳۸۳	-۱/۰۷۳	۰/۰۰۱
تمایز شخصیتی	۲/۵۰	۳۸۳	-۱/۱۷۲	۰/۰۰۱
محصوریت	۲/۵۰	۳۸۳	-۱/۱۸۵	۰/۰۰۱
بومی‌گرایی	۲/۴۶	۳۸۳	-۱/۲۷۲	۰/۰۰۱
دسترسی	۲/۴۷	۳۸۳	-۱/۲۸۵	۰/۰۰۱
تنوع	۲/۴۹	۳۸۳	-۱/۲۲۵	۰/۰۰۱
سرزندگی	۲/۵۱	۳۸۳	-۱/۱۴۱	۰/۰۰۱
زیست‌محیطی	۳/۶۰	۳۸۳	۹/۰۹۸	۰/۰۰۱
تعاملات اجتماعی	۲/۸۰	۳۸۳	-۳/۸۹۷	۰/۰۰۱
رضایتمندی	۱/۶۲	۳۸۳	-۸۵/۰۳۰	۰/۰۰۱

در ادامه برای وزن دهی به شاخص‌های ۱۷ گانه از نظرات ۱۲ نفر از کارشناسان استفاده گردید. وزن به‌دست‌آمده با استفاده از مدل تصمیم‌گیری AHP، تحلیل گردید. همان‌طور که در شکل (۳) نشان داده شده است، بر اساس نظرات کارشناسان وابستگی‌های عاطفی، امنیت، دل‌بستگی به مکان و دسترسی نسبت به دیگر شاخص‌ها از ارجحیت بالاتری برخوردار هستند.



شکل ۳: اولویت‌بندی شاخص‌ها بر اساس مدل تصمیم‌گیری AHP

Figure 3: Prioritization of indicators based on the AHP decision model

در مرحله بعد جهت رتبه‌بندی محله‌های بافت فرسوده شهر اهواز، میانگین به‌دست‌آمده وارد مدل تصمیم‌گیری کوپراس شد.

گام اول در مدل کوپراس: تشکیل ماتریس وضع موجود (جدول ۴).

جدول ۴- تشکیل ماتریس وضع موجود

Table 4- Forming the current status matrix

شاخص	خطرات	وابستگی	دلبستگی	هویت	خوانایی	امنیت	ماندگاری	آشنایی	تمایز	محموریت	بومی گرایی	دسترسی	تنوع	سرزندگی	زیست محیطی	تعاملات	رضایتمندی
محله	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-	+	+
آخر آسفالت	۵۶/۸	۸۱/۳	۵۰/۸	۶۰/۸	۶۰/۸	۶۵/۸	۶۵/۳	۶۵/۳	۶۵/۸	۶۵/۳	۶۱/۳	۶۱/۳	۶۱/۳	۶۰/۳	۱۷/۸	۶۵/۸	۶۵/۸
یوسفی	۶۱/۸	۶۰/۳	۶۳/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۳/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸
زرگان	۶۳/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸
لشکرآباد	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸	۶۵/۸

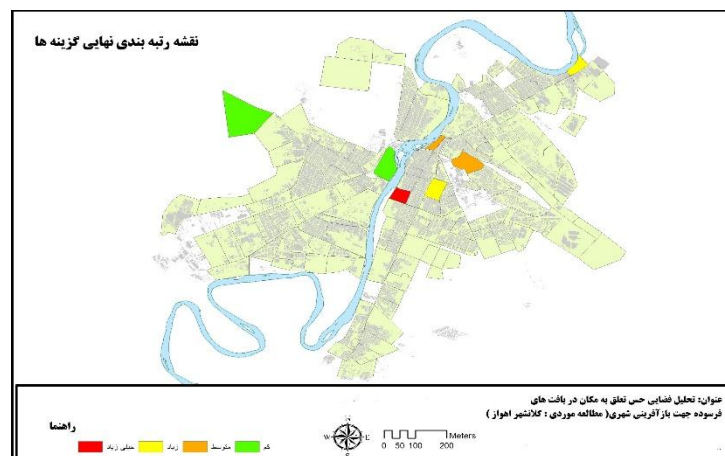
[illegible]

در نهایت رتبه‌بندی بر اساس مقدار Qj صورت می‌گیرد؛ به‌طوری‌که گزینه‌های با بالاترین مقدار Qj و Nj بالاترین رتبه را دارند. در این گام گزینه‌هایی که بهترین وضعیت را به لحاظ معیارها داشته‌اند با بالاترین درجه اهمیت Nj مشخص می‌شوند. مقدار کلی درجه اهمیت هر معیار از ۰ تا ۱۰۰ درصد متغیر است و در میان این دامنه بهترین و بدترین گزینه‌ها تعیین می‌شود. همان‌طور که در جدول (۵)، مشاهده می‌شود، محله‌های بافت فرسوده بر اساس شاخص‌های حس تعلق به مکان، اولویت‌بندی شده‌اند. بر اساس نتایج این جدول محله آخر آسفالت با مقدار ۱۰۰ درصد در رتبه اول قرار گرفته است. بدین معنی که از میان محله‌های مورد بررسی ساکنان این محله حس تعلق مکانی خیلی زیادی نسبت به محله خود داشته‌اند. همچنین محله‌های یوسفی و زرگان دارای حس تعلق به مکان زیادی، حصیرآباد و عامری متوسط و ملاشبه و لشکرآباد نیز در جایگاه آخر قرار گرفته‌اند.

جدول ۵- رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها

Table 5- Final ranking of options

محلہ	Qj	Nj	رتبہ نہایی	وضعیت حس تعلق مکانی
آخر آسفالت	۰/۱۹۶	۱۰۰	۱	خیلی زیاد
یوسفی	۰/۱۷۸	۹۰/۵۱	۳	زیاد
زرگان	۰/۱۹۱	۹۷/۱۴	۲	
لشکرآباد	۰/۱۴۸	۷۵/۱۸	۶	کم
ملاشیہ	۰/۱۴۰	۷۱/۴۹	۷	
حصیرآباد	۰/۱۶۸	۸۵/۶۱	۴	متوسط
عامری	۰/۱۵۵	۷۸/۹۱	۵	



شکل ۴: وضعیت حس تعلق به مکان در محله‌های بافت فرسوده کلان‌شهر اهواز

Figure 4: The state of the sense of belonging to the place in the worn-out neighborhoods of Ahvaz metropolis

برای سنجش و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در افزایش حس تعلق به مکان در محله‌های بافت فرسوده کلان‌شهر اهواز از دیدگاه ساکنان بهره گرفته شد. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و فریدمن، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده آن است که خاطرات جمعی، وابستگی‌ها عاطفی، دل‌بستگی به مکان، امنیت، ماندگاری، آشنایی با مکان، دسترسی، سرزندگی، تعاملات اجتماعی و رضایتمندی بیشترین رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و همچنین بین شاخص زیست‌محیطی با ماندگاری، سرزندگی و رضایتمندی رابطه منفی و معکوسی وجود دارد. به این معنی که با افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، حس تعلق به مکان، کمتر می‌شود (جدول ۶).

جدول ۶- سنجش رابطه بین شاخص‌های حس تعلق به مکان

Table 6- Measuring the relationship between the indicators of the sense of belonging to the place

شاخص	خاطرات	وابستگی	دل‌بستگی	هویت	خوانایی و	امنیت	ماندگاری	آشنایی با	نمایز	محسوریت	بومی‌گرایی	دسترسی	تنوع	سرزندگی	زیست‌محیط	رضایت‌مند
خاطرات جمعی	۱															
وابستگی‌های عاطفی	۸۸/۰	۱														
دل‌بستگی به مکان	۵۸/۰	۸۸/۰	۱													
هویت	۳۸/۰	۶۳/۰	۶۱/۰	۱												
خوانایی و نمایانی	-	-	۰/۸/۰	-	۱											
امنیت	۶۸/۰	۵۱/۰	۸۸/۰	-	-	۱										
ماندگاری	۱۰۸/۰	۴۳/۰	۸۰/۰	۰/۵/۰	-	۱۰/۰	۱									
آشنایی با مکان	۳۳/۰	۶۵/۰	۰/۵/۰	۰/۱۰/۰	-	-	۶۸/۰	۱								
نمایز شخصیتی	۵۱/۰	۱۱/۰	۸۸/۰	۶۸/۰	۰/۶/۰	۳۳/۰	-	۶۸/۰	۱							
محسوریت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱						
بومی‌گرایی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱					
دسترسی	۵۰/۰	۸۳/۰	۸۱/۰	۳۶/۰	۶۳/۰	۸۶/۰	۷۸/۰	۶۱/۰	۳۱/۰	-	۳۵/۰	۱				
تنوع	۶۳/۰	۴۱/۰	۶۸/۰	۶۰/۰	۱۰/۰	۸۰/۰	۸۱/۰	-	۶۶/۰	۰/۸/۰	-	۷۵/۰	۱			
سرزندگی	۶۵/۰	۳۸/۰	۶۸/۰	۸۱/۰	-	۶۱/۰	۸۱/۰	۱۱/۰	۶۶/۰	-	-	-	۰/۸/۰	۱		
زیست‌محیطی	-	-	-	-	-	-	۰/۲۵/۰	-	-	-	-	-	-	-	۸۸/۰	۱

تعاملات اجتماعی	۳/۰	۸/۰	۰/۰	-	-	-	-	-	۰/۱۳	۸/۱۵	۰/۱۳	۰/۱۳	-	-	-	-	۱
رضایتمندی	-	-	۱/۵	-	-	-	-	-	۵/۳۱	۸/۳۱	۵/۳۱	۵/۳۱	-	-	-	-	۱

نتایج حاصل از نظرات ساکنان با استفاده از روش فریدمن نشان داد که شاخص وابستگی‌های عاطفی، مسائل زیست‌محیطی، رضایتمندی، دل‌بستگی به مکان و دسترسی به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش حس تعلق مکانی در محله‌های مورد مطالعه، به حساب می‌آیند. همچنین شاخص‌های امنیت، سرزندگی، ماندگاری، تنوع، خاطرات جمعی، تعاملات اجتماعی، تمایز شخصیتی، خوانایی و نمایانی، آشنایی با مکان، هویت، محصوریت و بومی‌گرایی نیز در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جدول ۷- اولویت‌بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان

Table 7- Prioritization of the most important factors affecting the sense of belonging to a place

شاخص	مقدار فریدمن	رتبه
خاطرات جمعی	۹/۷۷	۱۰
وابستگی‌های عاطفی	۱۲/۷۰	۱
دل‌بستگی به مکان	۱۰/۷۰	۴
هویت	۶	۱۵
خوانایی و نمایانی	۶/۷۳	۱۳
امنیت	۱۰/۵۳	۶
ماندگاری	۱۰/۱۳	۸
آشنایی با مکان	۶/۱۳	۱۴
تمایز شخصیتی	۶/۹۳	۱۲
محصوریت	۵/۷۳	۱۶
بومی‌گرایی	۵/۰۳	۱۷
دسترسی	۱۰/۵۷	۵
تنوع	۱۰/۰۷	۹
سرزندگی	۱۰/۲۰	۷
زیست‌محیطی	۱۱/۴۷	۲
تعاملات اجتماعی	۹/۳۷	۱۱
رضایتمندی	۱۰/۹۳	۳

جهت سنجش رابطه بین تعلق مکانی و بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهر در محله‌های موردنظر نیز از ۱۳ گویه استفاده گردید. در ابتدا با استفاده از آزمون t ساده وضعیت تمایل ساکنان نسبت به بازآفرینی بافت‌های فرسوده

موردسنجش قرار گرفته است. بر اساس میانگین و اختلاف میانگین حاصل شده می‌توان گفت که ساکنان بافت فرسوده شهر اهواز تمایل به بازآفرینی بافت فرسوده خود دارند. میزان تمایل ساکنان از میانگین فرضی ۳، بیشتر است (جدول ۸).

جدول ۸- سنجش میزان تمایل ساکنان به بازآفرینی بافت‌های فرسوده

Table 8- Measuring the willingness of residents to recreate worn-out fabrics

Test Value = 3

تمایل به بازآفرینی بافت‌های فرسوده	میانگین	اختلاف میانگین	فراوانی	مقدار t	سطح معناداری	درجه آزادی
۳/۱۹	۰/۱۹	۳۸۳	۳/۴۲۶	۰/۰۰۱	۳۸۲	

در ادامه برای سنجش رابطه بین دو متغیر حس تعلق به مکان و بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری، ضریب همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار گرفت. نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون با مقدار ضریب ۰/۲۶۳ نشان‌دهنده آن است که بین دو متغیر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و با افزایش حس تعلق به مکان، تمایل ساکنان به بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری، افزایش می‌یابد (جدول ۹).

جدول ۹- سنجش رابطه بین حس تعلق به مکان و بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری

Table 9- Measuring the relationship between the sense of belonging to a place and the regeneration of worn-out urban tissues

متغیر	حس تعلق به مکان	بازآفرینی بافت‌های فرسوده
حس تعلق به مکان	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۶۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
	فراوانی	۳۸۳
بازآفرینی بافت‌های فرسوده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۶۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
	فراوانی	۳۸۳

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، موضوع «حس مکان» در رشته‌های مرتبط با امور شهری و برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته است. این وضعیت رویکرد نوینی پیش روی محققان و متصدیان امور شهری قرار داده و بیشترین تأکید را متوجه میزان حس مکان در محلات شهری به‌ویژه در بافت‌های فرسوده می‌نماید. با توجه به موارد مذکور در پژوهش حاضر هدف، تحلیل فضایی حس تعلق مکانی در بافت‌های فرسوده جهت بازآفرینی شهری در محله‌های

کلان‌شهر اهواز می‌باشد. همان‌طور که در بخش ادبیات نظری تحقیق ذکر گردید، تحقیق حاضر مبتنی بر دو رویکرد درونی و بیرونی بوده است. در رویکرد درونی ویژگی‌های ادراک و شناخت ساکنان که احساسات و عواطف و همچنین خاطرات آنان را شامل می‌شود، مدنظر بوده است. متناسب با تعاریف این رویکرد، در این پژوهش شاخص‌های خاطرات جمعی، وابستگی‌های عاطفی، دل‌بستگی به مکان، هویت، ماندگاری، احساس امنیت، آشنایی با مکان و خوانایی، بکار گرفته شد. در رویکرد دوم یعنی درونی که تأکید آن بر اثرات محیط بیرون بر انسان است، بر دو محیط کالبدی و فعالیت و کارکرد (فردی و اجتماعی)، تأکید دارد. این عوامل در تعریف فضایی، تمایز فضایی و تشخیص حریم‌ها و همچنین تمایز درون و بیرون و کنترل فضایی، نقش اساسی داشته که عاملی مهم در ایجاد حس تعلق به مکان است؛ بنابراین در این تحقیق نیز شاخص‌های رویکرد دوم همچون، تمایز شخصیتی مکان، محصوریت، دسترسی، تنوع، سرزندگی، زیست‌محیطی، تعاملات اجتماعی، رضایتمندی و غیره، بکار گرفته شد. در نهایت می‌توان اشاره کرد که نتایج تحقیق حاضر با تعدادی از مطالعات پیشین، هم‌راستا می‌باشد. ازجمله این پژوهش‌ها می‌توان به: (Ramkissoon 2015)، در پژوهشی با عنوان «دل‌بستگی به بافت‌های تاریخی»، Meshkini et al (2015) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی حس تعلق مکان ساکنان شهرهای جدید»، Zamani & Honarvar (2016)، در پژوهشی به بررسی «عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان در محلات شهری»، Roshani et al (2018)، در پژوهشی با عنوان «سنجش و رتبه‌بندی حس تعلق مکانی محلات بافت تاریخی گرگان»، Karimi Moshaver & Negintaji (2018) در پژوهشی با عنوان «تأثیر هویت مکانی بر ایجاد حس وابستگی و نقش آن در شکل‌گیری منظر شهری یاسوج»، اشاره کرد. نتایج پژوهش‌های پیشین، نشان داد که در حس تعلق به مکان به عواملی همچون خاطرات جمعی، وابستگی‌های عاطفی، دل‌بستگی به مکان، هویت، امنیت، سرزندگی، زیست‌محیطی، تعاملات اجتماعی و... تأثیرگذار هستند. لذا در این تحقیق نیز عوامل مذکور برافزایش حس تعلق به مکان اثرگذار بودند. در محله‌های بافت فرسوده شهر اهواز وابستگی‌های عاطفی، دل‌بستگی به مکان، تعاملات اجتماعی و... وضعیت به نسبت مناسبی دارند؛ اما وجود مشکلات زیست‌محیطی، عدم رضایتمندی ساکنان نسبت به امکانات و خدمات شهری، دسترسی نامناسب شهروندان، سرزندگی و...، ماندگاری ساکنان را تحت تأثیر قرار داده است؛ بنابراین با توجه به اینکه ساکنان دل‌بستگی خاصی به مکان محل زندگی خود دارند و همچنین وابستگی عاطفی در بین آن‌ها زیاد است، می‌توان با افزایش امکانات و خدمات شهری و همچنین تقویت فضاها و عمومی و بافت‌های کالبدی و فیزیکی، بافت‌های فرسوده را از طریق بازآفرینی شهری تقویت کرد.

References

- Amanpour, S., & Hashemi Ghand Ali, F. (2023). "Investigation and evaluation of the physical components of worn-out urban tissue (case study) of the worn-out tissue of Masjid Suleiman". *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(3), 65-81. [In Persian].
- Belali Oskui, A., Heydari Turkmani, M., & Diba, F. (2019). "Causal Layered Analysis of the Change in the Concept of the Neighborhood in Relation with the Sense of Belonging and Presenting the Alternative Scenarios". *Urban Planning Knowledge*, 3(3), 65-81. Doi: 10.22124/upk.2019.14235.1275.[In Persian].
- Chen, R., & Sekar, A.(2018). "Investigating the impact of Sense of Place on site visit frequency with non motorized travel modes". *Journal of Transport Geography*, 66, 268-282. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2017.12.008>
- Daneshpour, A., & Saffar Sabzevar, F. (2018). "An analysis of the physical factors influencing the place attachment in the old center of Sabzevar". *Journal of Urban Research and Planning*, 33, 125-136. [In Persian].
- Ghorbanian Tabrizi, M., Pourmadimoha, M., & Hoseinzade Dalir, K. (2023). "Evaluation of Urban Public Spaces Using the Creative Common Space Approach Using the SWOT Model (Case study: Tabriz Metropolis)". *Journal of Gepgraphic Space*, 82, 1- 33.URL: <http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-3319-fa.html>. [In Persian].
- Golkar, K. (2017). *"Creation of a sustainable place"*. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Huang, X., Zhao, B., Liu, Y., & Xue, D. (2019). "Belonging to a Place: An Analysis of the Perceptions of Rural-to-Urban Migrants in China". *Geographical Review*, 105, 1-19. <http://dx.doi.org/10.1111/gere.12366>
- Karimi Moshaver, M., & Negintaji, F. (2018). "The impact of spatial identity On Sense of dependency and role in shaping the urban landscape (Case study: Yasuj city)". *Journal of Urban Research and Planning*, 33, 69-84. [In Persian].
- Lindsay, J., & McCann, RG. (2014). "Interrelations between sense of place, organizational commitment, and green neighborhoods". *Cities*, 41, 20-40. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2014.04.008>
- Lindsay, J., & Gifford, R. (2018). "Spatial navigation and place imageability insense of place". *Cities*, 74, 208-221. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2017.12.006>
- Liu, S., & Cheung, L. T. (2016). "Sense of place and tourism business development". *Tourism Geographies*, 18(2), 174-193. <http://dx.doi.org/10.1080/14616688.2016.1149513>
- Liu, SH. (2015). "Searching for a sense of place: Identity negotiation of Chinese immigrants". *International Journal of Intercultural Relations*, 46, 3-26. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2015.03.020>
- Mahmoudi, S., Emami, S., & Yasuri, M. (2021). "Spatial-spatial analysis of factors affecting the sense of place belonging (case example: Kurdashin villages, Rahmat-Abad and Blookat, Rudbar city)". *Journal of Rural Research and Planning*, 7(3), 61-82. [In Persian].
- Masoud Kabir, T. (2018). *"Measuring the sense of place belonging in neighborhoods with a rural core (case example: Iran-Abad neighborhood, Ardabil city)"*. Master's thesis, Islamic Azad University, Ardabil branch. [In Persian].
- Meshkini, A., Ghasemi, K., & Hamzehnejad, M. (2015). "The Evaluation of the Residents Sense of Attachment to Place in the New Towns (Case Study: Hashtgerd New Town)". *Journal of Gepgraphic Space*, 48, 41- 56. URL: <http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-1522-fa.html>. [In Persian].

- Mohammad-Moradi, A., Yazdanfar, S., Faizi, M., & Norouzian-Maleki, S. (2022). "Measuring sense of place and identifying the effective components in the historical fabric of Tehran (Case study: The historical neighborhood of Imamzadeh Yahya)". *Journal of Iranian Architecture Studies*, 15, 173-191. Doi: 10.22052/1.15.173. [In Persian].
- Moradgholi, S. (2012). "Strategic planning and its role in the renovation and improvement of dilapidated urban tissues (case example: Zabul)". Master's thesis, Zabul University. [In Persian].
- Naderi, A., Shir Ali, A., & Ghasemi Kafrodi, S. (2013). "Investigating the sense of neighborhood belonging and its role in social participation (case example: Nematabad neighborhood)". *Journal of Social Development Studies of Iran*, 6(3), 69-86. [In Persian].
- Peters, K., Stodolska, M., & Horolets, A. (2017). "The role of natural environments in developing a sense of belonging: A comparative study of immigrants in the U.S., Poland, the Netherlands and Germany". *Urban Forestry & Urban Greening*, 17, 63- 70. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2016.04.001>
- Ramkissoo, H. (2015). "Authenticity, satisfaction, and place attachment: A conceptual – framework for cultural tourism in African Island". *Economies Development of Southern Africa*, 32(3), 292-302.
- Raymond, CM., Brown, G., & Weber, D. (2010). "The Measurement of Place Attachment: Personal, Community, and Environmental Connections". *Journal of Environmental Psychology*, 30(4). DOI: 10.1016/j.jenvp.2010.08.002.
- Rezvani, N., Behzadfar, M., & Habibi, K. (2017). "The Evaluation of Environmental qualities in historic tissues based on sense of place (Case study: the Sarcheshme Neighborhood of Gorgan)". *Journal of Urban Research and Planning*, 29, 23-42. [In Persian].
- Roshani, S., Rezvani, N., & Parsian Khamari, R. (2018). "Assessing and rating sense of belonging in the neighborhoods of old district of Gorgan". *Maremat & Me'mari-e Iran*, 15, 1-18. [In Persian].
- Safaiepour, M., & Damanbagh, S. (2019). "Analysis of Urban Regeneration Components in the Centralized Old Texture of Ahvaz City". *Physical Social Planning*, 6(3), 103-122. Doi: 10.30473/psp.2019.6392. [In Persian].
- Safaiepour, M., & Hajipour, N. (2022). Measuring and Evaluating the Level of Urban Creativity Based on the Iranian-Islamic Components in Dezful City. *Geographical Studies of Coastal Areas Journal*, 3(2), 1-25. doi: 10.22124/gscaj.2022.21152.1128 [In Persian].
- Sarmast, B., & Motavaseli, M. (2010). "Investigating and analyzing the role of the city scale in the sense of belonging to the place (case study: Tehran)". *Urban Management Quarterly*, 26, 1- 16. [In Persian].
- Scannell, L., Gifford, R. (2010). "The Relations between Natural and Civic Place Attachment and Pro-Environmental Behavior". *Journal of Environmental Psychology*, 31, 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.01.010>
- Shahcheraghi, A., & Bandarabad, A. (2014). *"Surrounded by the environment: the application of environmental psychology in architecture and urban planning"*. Tehran: Academic Jihad Organization Pub. [In Persian].
- Shahivandi, A., Bigdeli, N., & Talebi Varnosfaderani, A. (2023). "Analysis of the Identity Dimensions of New Towns and their impacts on Citizens' Sense of Belonging (Case Study: Sepahanshahr, Isfahan)". *Geography and Urban Space Development*, 10(2), 75-96. Doi: 10.22067/jgusd.2022.73022.1118. [In Persian].

- Shayan, H., & Kamelnia, H. (2010). "Investigating the role and position of social standards in the realization of restoration of dilapidated urban structures". *Abadi*, 67, 18-23. <https://doi.org/10.30488/gps.2019.91060>. [In Persian].
- Siyavashpour, B., Shadlou Jahromi, M., & Moulaei Ramsheh, Z. (2013). "The dimensions of the sense of belonging to a place, with an emphasis on physical, social and emotional factors (perception and cognition)". *The 6th National Conference on Urban Planning and Management with an emphasis on the components of the Islamic city*, Holy Mashhad. [In Persian].
- Taherlou, T., & Jalilnejad, A. (2021). "Improvement and renovation of worn-out urban structures and the role of the municipality in their revival; Subject of study: Khoy city, Khamachilar district". *Shabak specialized scientific journal*, 58(1), 20-23. [In Persian].
- Yasouri, M., Mahmoudi, S., Darban Astaneh, A R., & Emami, F. (2024). "Sensibility and sense of belonging to the place in promoting the social capital of the villagers (Case study: Kurdish villages, Rudbar city)". *Jgs*, 71, 81-102. URL: <http://jgs.khu.ac.ir/article-1-3364-fa.html>. [In Persian].
- Yi, X. & Zhai, F. (2022). "Events as a means to foster knowledge-driven urban development: Experience from the new district development in Nanjing". *Frontiers of Architectural Research*. 11, 815-829. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2022.02.004>
- Zamani, B., & Henarvar, M. (2016). "Evaluating factors affecting place attachment in urban areas using network analysis process". *Urban Sociological Studies Quarterly*, 20, 131-156. [In Persian].
- Zanganeh, M. (2019). "Sensing of Sense of Place in Small, Medium and Large Cities (Case Study: Cities: Khaf, Sabzevar and Mashhad)". *Geographical Planning of Space*, 32, 199-212. Doi: 10.30488/gps.2019.91060 [In Persian].
- Ziari, K., Hatami, A., & Mesbahi, S. (2017). "Investigating the Factors Affecting Increasing Social Participation with Emphasis on Neighborhood Affect (Case Study: Nourabad Delfan)". *Journal of Urban Social Geography*, 4(2), 69-86. Doi: 10.22103/JUSG.2018.1953 [In Persian].

Analyzing the Role of Place Attachment in the Renewal of Worn-out Textures in Ahvaz City

Majid Goodarzi

Associate Professor of Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Zahra Soltani

Assistant Professor of Geography and Rural Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Afsaneh Alibakhshi

Phd Student of Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Abstract

The present study aimed at investigating and analyzing the role of place attachment in the renewal of worn-out textures of Ahvaz city. This applied study employed a descriptive-analytical research method. The research data was collected by two documentary and field study methods. Data analysis was conducted using AHP and COPRAS models and Pearson, Kruskal-Wallis, cluster analysis and t-tests. The results of the AHP model showed that emotional dependencies, security, place attachment, and accessibility are preferable to other indicators. Also, based on the results of the COPRAS decision-making model, which prioritized worn-out neighborhoods based on place attachment, Akhar-e-Asfalt neighborhood has been ranked first with a value of 100%. The results of Pearson's correlation coefficient indicated that collective memories, emotional attachments, attachment to place, security, permanence, place familiarity, accessibility, vitality, social interactions, and satisfaction have a direct significant correlation with the renewal of worn-out textures in Ahvaz city. The results of Friedman's method showed that the index of emotional dependencies, environmental issues, satisfaction, place attachment, and accessibility is the most important effective indicators in increasing place attachment in the study neighborhoods. According to the Kruskal-Wallis test and cluster analysis, Akhar-e-Asfalt and Ameri neighborhoods were ranked first, and the results of the t-test showed that the residents of Ahvaz's worn-out textures tend to renew their worn-out textures. Finally, the Pearson correlation coefficient with a value of 0.263 indicated that there is a direct significant correlation between the two variables, and with the increase in place attachment, the residents' desire to renew worn-out urban textures increases. Therefore, regarding that residents have a special attachment to their place of residence and emotional dependence among them is high, it is possible to strengthen worn-out tissues through urban regeneration by increasing urban facilities and services as well as strengthening public spaces and bodily and physical textures.

Keywords: Place attachment, worn-out texture, urban renewal, Ahvaz

Introduction

The failure of many old textures to be compatible with the requirements of new life has caused a decrease in the quality of life and also a decrease in place attachment of the residents of these neighborhoods. Therefore, it seems necessary to pay attention to these residential areas, both from the physical and psychological aspects, to increase the satisfaction of the residents. Living in these textures, as much as it requires feeling the same with events, memories, and roots, also require believing in the emergence of new changes in them.

Therefore, it can be said that today the identity crisis in many old neighborhoods and textures is undeniable and needs more attention. Ahvaz city, the capital of Khuzestan province, is one of the important cities of this province, and in recent decades it has witnessed huge waves of migration from other villages and cities of the province. At present, about 1417 hectares of Ahvaz city are worn out, which in terms of population is about one-third of the city's population lives in these textures. These textures have affected the citizens' quality of life with problems such as the decline of physical quality, access and traffic problems, excessive density, and concentration, lack of uses per capita, lack of appropriate hierarchies in the communication network, the existence of incompatible uses, weak buildings, the use of non-durable and non-durable materials, lack of urban facilities and services, exhaustion of urban sewage, low quality of residential units, weak urban management, and weak financial resources for the improvement and renovation of houses are faced. It shows that most people of Ahvaz do not benefit from favorable conditions for urban life. According to the mentioned cases, this research seeks to analyze the role of place attachment in worn-out textures for the renewal of Ahvaz, to determine to what extent the residents' place attachment can provide the basis for the renewal of worn-out urban textures.

Materials and Methods

The present study employed a theoretical-applied and descriptive-analytical research method. Library and field studies techniques were used for data collection. The research questionnaire included factors of place attachment, the facilities and services of the worn-out textures, and the desire to renew the worn-out textures. Place attachment consisted of 17 indicators and 56 items; facilities and services included 11 indicators and 35 items, and the desire to renew worn-out textures included 13 items. According to the objectives of the research, two statistical populations of residents and experts in urban textures participated in the study for data collection. The area under investigation includes 7 worn-out neighborhoods of Ahvaz city. Based on the statistical population, 384 questionnaires were distributed among the residents of the worn-out urban neighborhoods of Ahvaz. To analyze the spatial difference of place attachment in urban neighborhoods and to weigh the indicators of place attachment, the AHP model was employed. Also; to measure the factors affecting place attachment in worn-out urban tissues, the COPRAS decision-making model was used; to determine the factors effective in increasing place attachment, the Pearson coefficient and Friedman test were used. Also, the Kruskal-Wallis test and cluster analysis technique were employed to measure the difference between neighborhoods of worn-out urban textures, and the t-test and Pearson coefficient to measure the relationship between place attachment and urban renewal.

Findings and discussion

Investigating the residents' opinions in terms of the place attachment indicators in the worn-out neighborhoods of Ahvaz city showed that emotional dependencies and place attachment had a higher value than the hypothetical average. Also, according to experts, emotional dependencies, security, attachment to place and accessibility are preferable to other indicators. In the next step, to rank the worn-out neighborhoods of Ahvaz city, the obtained average was entered into the COPRAS decision-making model; the results showed that among the surveyed neighborhoods, the residents of Akhar-e-Asfalt neighborhood had a very high place attachment. Also, Yousefi and Zargan neighborhoods residents had a high place attachment; Hasirabad and Ameri neighborhoods residents had moderate place attachment; and Malashieh, Lashkarabad, and Molashiyeh neighborhoods residents had the least place attachment. Next, Pearson's correlation coefficient was used to measure the correlation

between the two variables of place attachment and the renewal of worn-out urban textures. The results obtained from the Pearson correlation coefficient with a value of 0.263 indicated that there is a direct and significant correlation between the two variables-- with the increase in place attachment, the desire of the residents to recreate worn-out urban textures increases. Then, Pearson's correlation coefficient was used to measure the correlation between the two variables of place attachment and the renewal of worn-out urban textures. The results obtained from the Pearson correlation coefficient with a value of 0.263 indicated that there is a direct and significant correlation between the two variables, and with the increase in place attachment, the desire of the residents to recreate worn-out urban textures increases.

Conclusion

The present study aimed to spatially analyze place attachment in worn-out textures for urban renewal in the neighborhoods of Ahvaz metropolis in terms of indicators such as collective memories, emotional attachments, place attachment, identity, permanence, security, place familiarity, and legibility. The research results were consistent with Karimi Moshaver et al. (2018), Zamani et al. (2016), Abdi Malek Kalaei (2016), and Ramkissooon (2015), showing that in the worn-out neighborhoods of Ahvaz, emotional dependencies, place attachment, social interactions, etc. have a relatively good status. However, the existence of environmental problems, the residents' dissatisfaction with city facilities and services, inappropriate access of citizens, and vitality have affected the durability of residents. Therefore, since residents have a special attachment to their place of residence and emotional dependence among them is high, it is possible to strengthen worn-out textures through urban renewal by increasing urban facilities and services as well as strengthening public spaces and physical textures.